



درس آشنایی با رجال و درایه استاد سید مجتبی نوره مفیدی

تاریخ: ۱۴ آذر ۱۳۹۱

مصادف با: ۱۹ محرم الحرام ۱۴۳۴

جلسه: ۱۱

موضوع کلی: توثیقات خاصه و عامه

موضوع جزئی: راه‌های توثیق عام

سال: سوم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته:

عرض کردیم در بین احتمالات مختلف درباره عبارت «اجمعت العصابة علی تصحیح ما یصح عنهم» عمده احتمالات دو احتمال است؛ یکی احتمال اول که از طرف مرحوم فیض مطرح شده و دیگری احتمال چهارم که مختار مرحوم حاجی نوری است. مرحوم حاجی نوری اشکالاتی به احتمال اول داشتند که آنها را ذکر و پاسخ دادیم.

اما احتمال چهارم که مختار مرحوم حاجی نوری بود این است که مفاد عبارت «اجمعت العصابة علی تصحیح ما یصح عنهم» این است که صحت احادیث مروی از طریق این جماعت در واقع به معنای وثاقت آنهاست؛ یعنی اجمعت العصابة علی تصحیح ما یصح عنهم به این معناست که این جماعت ثقه‌اند و از غیر ثقه هم روایت نمی‌کنند لذا بر اساس این احتمال، هم وثاقت خود این جماعت و هم وثاقت مشایخ آنها تا معصوم (ع) ثابت می‌شود لذا منظور از مای موصوله در عبارت ما یصح عنهم، خود روایت و حدیث است؛ یعنی مروی و حدیثی که این اشخاص نقل کنند صحیح است و معنای آن این است که این اشخاص ثقه‌اند و مشایخ آنها هم ثقه‌اند.

ادله احتمال چهارم:

حاجی نوری بر این مدعا چند دلیل ذکر کرده است:

دلیل اول:

به طور کلی قرائن صدق خبر یا داخلی است یا خارجی، قرائن داخلی مثل وثاقت روات و قرائن خارجی مثل اینکه این خبر در کتابی که به امام (ع) عرضه شده یا در اصل معتبری موجود باشد که اگر روایتی در کتاب یا اصل معتبری وجود داشته باشد گواه بر صدق خبر است و این یک قرینه خارجی است. احراز صحت احادیث از طریق قرائن خارجی امری است که عادتاً محال است در نتیجه صحت احادیث باید مستند به قرائن داخلی باشد و این قرائن هم چیزی جز وثاقت این جماعت و کسانی که این جماعت از آنها روایت را نقل می‌کنند نیست. اما چرا احراز صحت خبر از طریق قرائن خارجی عادتاً محال است؟ مرحوم حاجی نوری می‌گوید منظور از قرینه خارجی وجود خبر در اصل یا کتاب معتبر است و ما نمی‌توانیم احراز کنیم که این خبر به واسطه وجود در کتاب یا اصل معتبر صحیح است؛ چون عبارت «اجمعت العصابة علی تصحیح ما یصح عنهم» دلالت می‌کند بر اینکه کل روایاتی که این جماعت نقل می‌کنند صحیح است، پس در واقع بر اساس این عبارت باید به صورت کلی، حکم به صحت این روایات شود در حالی که مستند به قرائنی باشد که

مفید اطمینان به صدق خبر است و این قرینه نمی‌تواند خارجی باشد؛ چون این در صورتی ممکن است که همه احادیث در یک کتابی محصور باشد یا مثلاً یک راوی آن را شنیده باشد که ما به وسیله آن بتوانیم بر قرائن اطلاع پیدا کنیم و در غیر این صورت راهی برای اطمینان به صحت خبر از طریق این قرائن نداریم پس احراز صحت روایت از طریق قرائن خارجی عادتاً محال است لذا یک راه بیشتر نمی‌ماند و آن اینکه بگوییم این جماعت ملتزم بوده‌اند به اینکه فقط از ثقات نقل کنند و اگر اصحاب، اجماع دارند بر تصحیح ما یصح عنهم به این معنی است که اصحاب اجماع دارند بر صحت اخباری که این اشخاص نقل می‌کنند؛ چون این اشخاص از غیر ثقه روایت نمی‌کرده‌اند.

پس اینکه بگوییم اخبار آنها محفوف به قرائنی است که آنها اطمینان به صدق خبر داشته و اطمینان به صدور آن روایات از معصوم (ع) پیدا می‌کرده‌اند، آن قرائن خارجی قابل کشف نیست و عادتاً احراز صحت خبر از طریق قرائن خارجی ممکن نیست لذا قرائن، منحصر در قرائن داخلی می‌شود که همان وثاقت راوی است پس نتیجه این می‌شود که صحت اخبار این جماعت به خاطر این بوده که خودشان ثقه بوده و التزام داشته‌اند به اینکه فقط از ثقات نقل کنند و این قابل احراز است اما قرائن خارجی قابل احراز نیست؛ چون عبارت «اجمعت العصابة علی تصحیح ما یصح عنهم» می‌خواهد همه اخبار و روایات این اشخاص را تصدیق کند و صحت همه روایات از راهی غیر از التزام به اینکه این اشخاص فقط از ثقه نقل می‌کرده‌اند قابل احراز نیست. پس در واقع صحت خبر به استناد قرینه داخلی قابل احراز است ولی صحت خبر به استناد قرینه خارجی قابل احراز نیست.

بررسی دلیل اول:

چند اشکال به این دلیل وارد شده است.

اشکال اول:

اگر منظور این باشد که اصحاب، اجماع دارند بر وثاقت این جماعت و وثاقت مشایخشان، باید به جای عبارت «اجمعت العصابة علی تصحیح ما یصح عنهم» گفته می‌شد: «اجمعت العصابة علی وثاقت من نقل عنه هؤلاء» و چرا گفته شود اصحاب، اجماع دارند بر صحت اخباری که آن جماعت نقل می‌کنند، اینکه در عبارت از تعبیر علی تصحیح ما یصح عنهم استفاده شده، دلالت می‌کند بر اینکه ما یصح عنهم، هم می‌تواند مستند به قرینه خارجی باشد و هم مستند به قرینه داخلی، شما گفتید عادتاً استناد صحت خبر به قرینه خارجی ممکن نیست لذا صحت خبر فقط از طریق قرینه داخلی قابل احراز است ما در پاسخ می‌گوییم اگر صحت خبر فقط از طریق قرینه داخلی قابل احراز است باید عبارت این گونه می‌بود «اجمعت العصابة علی وثاقت من نقل عنه هؤلاء» و اینکه عبارت این گونه نیامده دال بر این است که ما یصح عنهم، هم از طریق قرائن خارجی و هم از طریق قرائن داخلی قابل احراز است. نتیجه اینکه این عبارت نمی‌تواند بر وثاقت خود این اشخاص و مشایخشان دلالت کند.

اشکال دوم:

دلیل شما بر اینکه گفتید احراز صحت خبر از طریق قرائن خارجیۀ عادتاً ممکن نیست ولی احراز صحت خبر از طریق قرائن داخلیۀ مثل وثاقت راوی ممکن است، چیست و شما چگونه احراز کرده‌اید که این جماعت فقط از ثقات نقل می‌کرده‌اند؟ این خودش اول کلام است. شما زمانی می‌توانید چنین ادعایی بکنید که همه افرادی که از آنها روایت، نقل شده برای اصحاب معلوم بوده و وضعیت آنها را از طریق استقراء بدست آورده باشند و بعد نتیجه گرفته شود که این اشخاص از غیر ثقه روایت نقل نمی‌کنند در حالی که چنین چیزی ممکن نیست که گفته شود اصحاب، تک‌تک اشخاص را که این جماعت از آنها نقل کرده‌اند استقراء کرده و بعد ملتزم شده‌اند به اینکه هر کسی که جزء مشایخ بی‌واسطه و باواسطه این جماعت بوده ثقه است لذا احراز این مسئله ولو در آن زمان، مشکل بوده است.

اشکال سوم:

آنچه که مرحوم حاجی نوری فرموده در صورتی درست است که ما فقط قرائن خارجیۀ را ملاک قرار دهیم و بگوییم ملاک صحت خبر، فقط قرائن خارجیۀ است در حالی که ما می‌گوییم اخباری که این جماعت نقل کنند صحیح است در حالی که مستند به قرائن داخلیۀ یا خارجیۀ باشد، ما نه فقط قرائن داخلیۀ را ملاک صحت اخبار این جماعت می‌دانیم و نه فقط قرائن خارجیۀ را، بلکه به طور کلی می‌گوییم منظور از ما یصح عنهم این است که آنچه این جماعت نقل کنند صحیح است و ما یقین و اطمینان به صدور آنها از معصوم (ع) پیدا می‌کنیم لکن در مورد بعضی روایات به وسیله قرائن داخلیۀ که وثاقت راوی باشد و در مورد بعضی دیگر از روایات به واسطه قرائن خارجیۀ مثل وجود در یک کتاب یا اصل معتبر، این اطمینان حاصل می‌شود. نتیجه اینکه با این دلیل نمی‌توان اثبات کرد که این جماعت از غیر ثقه روایت نمی‌کنند.

این نکته را توجه داشته باشید که ما هر احتمالی را نسبت به عبارت «اجمعت العصابة علی تصحیح ما یصح عنهم» پذیریم در وثاقت خود این جماعت شکی نیست. بحث در کسانی است که این جماعت از آنها نقل می‌کنند که این عبارت دلالت نمی‌کند بر اینکه این جماعت فقط از ثقه روایت نقل می‌کنند و چه بسا از غیر ثقه هم روایت را نقل کرده باشند اما روایت خصوصیتی داشته و قرائنی وجود داشته که باعث شده این جماعت آن روایت را نقل کنند با اینکه ممکن است یکی از روایات هم ثقه نباشد لذا ما اطمینان به صدور خبر و روایت از امام معصوم (ع) پیدا می‌کنیم. پس در مجموع به نظر می‌رسد دلیل اولی که مرحوم حاجی نوری برای نظر خودشان ذکر کردند تمام نیست.

بحث جلسه آینده: بقیه ادله صاحب مستدرک را انشاء الله در جلسه آینده ذکر و بررسی خواهیم کرد.

«والحمد لله رب العالمین»